یادداشت

آب، قدرت، سیاست؛ خاورمیانه در آستانه انتخابی حیاتی

فاتیما انصاری
دکترای روابط بین‌الملل

در سرزمینی که رودخانه‌ها آرام‌آرام خاموش می‌شوند، دیپلماسی آب به زبان تازه قدرت بدل شده است. تغییرات اقلیمی، رشد جمعیت و سیاست‌های ناپایدار مصرف آب، منطقه‌ای را شکل داده‌اند که بیش از ۶۰ درصد جمعیتش در شرایط کمبود آب زندگی می‌کنند. گزارش‌های سازمان ملل هشدار می‌دهند که تا سال‌های آینده، بسیاری از کشورهای خاورمیانه با بحران «روز صفر» آب مواجه خواهند شد؛ نقطه‌ای که شیرهای آب خشک می‌شوند و مهاجرت‌های اجباری میلیون‌ها نفر را تهدید می‌کند. در چنین شرایطی، بررسی تنش‌های آبی میان ایران، عراق و افغانستان، نقش سازمان‌های منطقه‌ای در میانجیگری و تحلیل سیاست‌های انتقال آب و پیامدهای زیست‌محیطی آن، ضرورتی حیاتی برای گذار از رقابت به همکاری است.

تنش‌های آبی در خاورمیانه اغلب ریشه در رودخانه‌های مرزی دارند و می‌توانند به‌سرعت به منازعات سیاسی و حتی نظامی تبدیل شوند. در روابط ایران و افغانستان، رودخانه هیرمند به نماد اصلی این تنش‌ها بدل شده است. ساخت سدهای کجکی و سلما در افغانستان طی سال‌های اخیر، جریان آب به ایران را کاهش داده و خشک‌سالی شدید در سیستان‌وبلوچستان را رقم زده است. برخی مقامات ایرانی هشدار داده‌اند که تهران نیز در آستانه «روز صفر» قرار دارد، با کاهش ذخایر آب به کمتر از ۲۰ درصد ظرفیت. مذاکرات دوجانبه بر سر آب هیرمند بارها به بن‌بست رسیده و درگیری‌های مرزی، حتی شورای امنیت سازمان ملل را به واکنش واداشته‌اند.

روابط آبی ایران و عراق نیز پیچیده و چندلایه است، به‌ویژه با دخالت بازیگران سومی مانند ترکیه. رودخانه‌های دجله و فرات که بیش از ۷۰ درصد آب عراق را تأمین می‌کنند، با ساخت سدهای متعدد ترکیه ازجمله آتاتورک و ایلیسو، دچار کاهش شدید جریان شده‌اند. این وضعیت عراق را در بحران آبی بی‌سابقه‌ای قرار داده که در آن ذخایر آب به پایین‌ترین سطح تاریخی رسیده و میلیون‌ها نفر در معرض گرسنگی قرار گرفته‌اند.

گزارش‌های تحلیلی تأکید می‌کنند که کمبود آب نه‌تنها بحران ملی عراق است، بلکه عامل مهاجرت‌های اقلیمی به ایران شده؛ جایی که حضور بیش از دو میلیون پناهنده افغانستانی و عراقی فشار مضاعفی بر منابع آبی وارد کرده است.

افغانستان در این معادله نقش دوگانه‌ای دارد. وابستگی این کشور به رودخانه‌های مشترک با ایران و پاکستان، آن را به بازیگری حساس در دیپلماسی آبی منطقه تبدیل کرده است. خشک‌سالی‌های متوالی و تغییرات اقلیمی، همکاری‌های دوجانبه را دشوار کرده‌اند. ابزارهای هشدار اولیه صلح آب نشان می‌دهند که کابل و تهران هر دو در آستانه بحران‌های جدی قرار دارند؛ وضعیتی که ریسک درگیری‌های آبی را افزایش می‌دهد و ضرورت میانجیگری منطقه‌ای را دوچندان می‌کند.

در چنین فضایی، سازمان‌های منطقه‌ای می‌توانند نقش کلیدی در تبدیل رقابت به همکاری ایفا کنند. سازمان همکاری اقتصادی (ECO) که ایران، عراق و افغانستان را در بر می‌گیرد، ظرفیت بالایی برای میانجیگری دارد. جلسات اخیر این سازمان برای هماهنگی مدیریت آب و پیشنهاد اشتراک داده‌های هیدرولوژیکی گامی مثبت بود، اما نبود تعهدات الزام‌آور مانع پیشرفت شده است. سازمان همکاری شانگهای (SCO) نیز با تمرکز بر امنیت منطقه‌ای، آب را به عنوان عامل ثبات در دستور کار خود قرار داده و بر همکاری در زمینه رودخانه‌های فرامرزی تأکید کرده است. در سطح جهانی، سازمان ملل از طریق UN-Water و ابتکارهایی مانند Blue Peace نقش تسهیل‌کننده‌ای ایفا می‌کند. این ابتکار که از سال ۲۰۱۰ آغاز شده، تلاش دارد آب را از منبع درگیری به کاتالیزور صلح تبدیل کند. نمونه‌هایی مانند افزایش موقت جریان آب ترکیه به عراق در تابستان گذشته، نشان می‌دهند میانجیگری منطقه‌ای می‌تواند مؤثر باشد، اگر با اعتمادسازی و تبادل داده‌های مشترک همراه شود.

با این حال، چالش اصلی برای حل این مسئله، نبود سازوکارهای الزام‌آور و یکپارچه میان سازمان‌هاست؛ نهادی که بتواند فراتر از اراده‌های ملی، چارچوبی برای مدیریت مشترک منابع آبی ارائه دهد. در خلیج فارس همکاری بر سر آب ضروری اما پیچیده است، زیرا ریسک‌های ژئوپلیتیکی و درگیری‌های منطقه‌ای مانع شکل‌گیری اعتماد پایدار شده‌اند. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که فقط از طریق پروژه‌های مشترک، شفافیت داده‌ها و مشارکت جامعه مدنی می‌توان به هم‌افزایی منطقه‌ای دست پیدا کرد.

در این میان، سیاست‌های انتقال آب به عنوان پاسخ‌های کوتاه‌مدت به بحران، اغلب پیامدهای زیست‌محیطی بلندمدتی دارند که عدالت اجتماعی را زیر سؤال می‌برند. در ایران، پروژه‌هایی مانند انتقال آب از خلیج فارس به فلات مرکزی و از دریای خزر به مناطق صنعتی، با هدف تأمین آب شهری و صنعتی اجرا شده‌اند. با وجود کاهش تحریم‌ها، این پروژه‌ها به شکل‌گیری ساختارهای غیرشفاف در مدیریت منابع و تخریب محیط زیست دامن زده‌اند. پیامدهایی مانند شورشدن خاک، از دست رفتن تنوع زیستی، فرونشست زمین و آلودگی اکوسیستم‌های آبی، ازجمله آثار این سیاست‌ها هستند. انتقال آب از خزر، به‌ویژه موجب کاهش سطح دریا و تهدید زیست‌بوم‌های ساحلی شده است. در سطح منطقه‌ای نیز این سیاست‌ها تنش‌ها را افزایش داده‌اند؛ انحراف آب از رودخانه‌های مشترک با عراق، کشاورزی عراق را تهدید کرده و موجب تشدید مهاجرت‌های اقلیمی شده است. برخی تحلیلگران این سیاست‌ها را مصداقی از آنچه «نابرابری زیست‌محیطی» می‌نامند، دانسته‌اند؛ مفهومی که به آسیب‌پذیری مناطق حاشیه‌ای مانند خوزستان و سیستان اشاره دارد.

مطالعات اخیر نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری‌های عظیم در پروژه‌های انتقال آب، بدون توجه به ردپای کربن و مصرف انرژی، نه‌تنها بحران را حل نمی‌کنند، بلکه موجب تشدید آن نیز می‌شوند. در چنین شرایطی، ارزیابی‌های زیست‌محیطی، مشارکت جوامع محلی و شفافیت در تصمیم‌گیری باید در مرکز سیاست‌گذاری قرار گیرند.

در نهایت، دیپلماسی آب در خاورمیانه نیازمند گذار از رقابت به همکاری است. تنش‌های میان ایران، عراق و افغانستان، اگرچه چالش‌برانگیز، می‌توانند با میانجیگری سازمان‌های منطقه‌ای به فرصت تبدیل شوند. سیاست‌های انتقال آب باید با ارزیابی‌های زیست‌محیطی همراه باشند تا عدالت منطقه‌ای و پایداری بلندمدت تضمین شود. کشورها باید به سمت توافقات فرامرزی، اشتراک فناوری‌های نمک‌زدایی و اعتمادسازی حرکت کنند. آب می‌تواند منبع جنگ باشد یا پلی برای صلح؛ اگر دیپلماسی بر سیاست‌های کوتاه‌مدت غلبه کند.

ساختمان‌های اروپایی در قلب پایتخت اوکراین هدف حملات روسیه قرار گرفتند

دیپلماسی زیر آتش

شرق: در میانه تلاش‌های دیپلماتیک پرتنش برای یافتن راهی به سوی صلح، روسیه با حمله‌ای گسترده به اوکراین ضربه‌ای مرگبار زد؛ حمله‌ای که دست‌کم ۱۸ کشته، ازجمله چهار کودک بر جا گذاشت و ساختمان‌های اروپایی و بریتانیایی را در قلب کی‌یف هدف قرار داد.

روسیه با گسترده‌ترین حمله هوایی ماه‌های اخیر، پایتخت اوکراین را زیر آتش گرفت. این یورش که به گفته مقامات محلی مرگبارترین ضربه به کی‌یف در ماه‌های اخیر محسوب می‌شود، درست در بحبوحه تلاش‌های بین‌المللی برای دستیابی به توافق صلح رخ داد و بار دیگر نشان داد فاصله میان میدان نبرد و میز مذاکره تا چه اندازه عمیق است. نیروی هوایی اوکراین اعلام کرد روسیه در این حمله ۵۹۸ پهپاد و ۳۱ موشک شلیک کرد؛ ۹ موشک از نوع بالستیک بود که فقط سامانه دفاعی پاتریوت آمریکا توان رهگیری آنها را دارد. طبق گزارش‌ها، ۲۶ موشک و ۵۶۳ پهپاد سرنگون شدند، اما در نهایت دست‌کم ۱۳ نقطه حساس و غیرنظامی به‌طور مستقیم مورد اصابت قرار گرفت. صدای انفجارها ساعت‌ها ادامه یافت و دود سیاه بر فراز پایتخت اوج گرفت.

ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، بلافاصله در پیامی در شبکه‌های اجتماعی این حمله را «قتل‌عام وحشتناک و عمدی غیرنظامیان» توصیف کرد. او گفت: «روس‌ها تصمیمی برای پایان جنگ ندارند و فقط حملات جدیدی آغاز می‌کنند. ضروری است جهان اکنون قاطعانه واکنش نشان دهد. روسیه باید متوقف شود». طبق آمار رسمی، چهار کودک در میان قربانیان بودند و ۳۸ نفر دیگر نیز زخمی شدند.

این حمله درست یک روز پیش از آن انجام شد که هیئتی از اوکراین قرار بود در نیویورک با تیم مذاکره‌کننده دونالد ترامپ دیدار کند تا درباره تضمین‌های امنیتی در چارچوب توافق صلح احتمالی بحث کنند. کمتر از دو هفته پیش نیز ترامپ و پوتین در آلاسکا نشستی برگزار کرده بودند که هدف آن پایه‌ریزی یک طرح صلح برای اوکراین بود. اما آن مذاکرات، اگرچه به ظاهر با لبخندهای دیپلماتیک پایان یافت، نتوانست شکاف عمیق میان خواسته‌های مسکو و انتظارات کی‌یف را پر کند.

روسیه بارها تلاش‌های آمریکا را ناکام گذاشته است. کرملین تاکنون از برگزاری دیدار مستقیم میان پوتین و زلنسکی سر باز زده و همچنین طرح‌های غرب برای ارائه تضمین‌های امنیتی به اوکراین را رد کرده است. رهبران اروپایی در حال طراحی طرحی برای استقرار نیرو در خاک اوکراین به منظور تضمین هرگونه توافق احتمالی‌اند؛ طرحی که با مقاومت شدید مسکو مواجه شده است.

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، تأکید کرده است کشورش فقط زمانی به توافق تن خواهد داد که حق وتو بر جزئیات آن داشته باشد؛ موضعی که آینده گفت‌وگوها را مبهم کرده است. در مقابل، دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، همان روز اعلام کرد حملات اخیر «موفقیت‌آمیز» بوده و اهداف تعیین‌شده را نابود کرده است. او افزود: «با این حال، روسیه همچنان علاقه‌مند به پیشبرد گفت‌وگوهای صلح است. هدف، رسیدن به اهداف خود از راه‌های سیاسی و دیپلماتیک است».

تهدید به تحریم‌های تازه

در بروکسل، اورسولا فون‌درلاین، رئیس کمیسیون اروپا، حملات روسیه را نمونه‌ای از «ترور کورکورانه غیرنظامیان» دانست و وعده داد که اتحادیه اروپا بسته جدیدی از تحریم‌ها را در اوایل سپتامبر اعلام کند. این بسته شامل محدودیت‌های سخت‌تر علیه شرکت‌های خارجی همکار روسیه و مقابله با ناوگان سایه‌ای کشتی‌های نفت‌کش است که مسکو از آنها برای دورزدن تحریم‌ها استفاده می‌کند.

او همچنین گفت اتحادیه در حال بررسی استفاده از ۳۰۰ میلیارد دلار دارایی مسدودشده بانک مرکزی روسیه است. به گفته او: «این نشان می‌دهد که کرملین برای ترساندن اوکراین و حتی هدف قراردادن اتحادیه اروپا هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد. به همین دلیل است که ما فشار حداکثری را حفظ می‌کنیم». قرار است وزرای خارجه اتحادیه اروپا روز شنبه در دانمارک درباره استفاده از دارایی‌های مسدودشده روسیه بحث کنند.

ساختمان هیئت نمایندگی اتحادیه اروپا در مرکز کی‌یف نیز ازجمله اهدافی بود که آسیب دید. تصاویر منتشرشده سقف فروریخته و شیشه‌های شکسته را نشان می‌دادند، اما مقامات تأکید کردند که ساختمان همچنان باز و فعال است.

حملات روسیه بیش از ۱۱ ساعت ادامه یافت. از حوالی ساعت سه صبح، صدای انفجار موشک‌ها و پهپادها کی‌یف را لرزاند و بسیاری از ساکنان را واداشت تا به پناهگاه‌ها پناه ببرند. ستون‌های عظیم دود تا صبح در آسمان شهر دیده می‌شد. یکی از اهداف، مرکز تفکیک بسته‌های پستی شرکت نوا پُشتا بود که در آن سه کارمند زخمی شدند. همچنین ایستگاه راه‌آهن اوکرزالیزنیستیا هدف قرار گرفت و یکی از قطارهای بین‌شهری به‌طور کامل از رده خارج شد. با این حال شرکت راه‌آهن اعلام کرد «هیچ سفری لغو نخواهد شد». اوکراین نیز به‌سرعت واکنش نشان داد. مقامات این کشور گفتند پهپادهای اوکراینی دو پالایشگاه نفتی در خاک روسیه را هدف گرفتند. ویدئوهای منتشرشده شعله‌های عظیم آتش در یکی از پالایشگاه‌ها را نشان دادند و ساکنان محلی در شوک به تماشای آن ایستاده بودند. یوری ایهنات، سخنگوی نیروی هوایی اوکراین گفت: «وظیفه ما این است که بفهمیم دشمن چگونه برنامه‌ریزی می‌کند و براساس آن، نقشه مقابله طراحی کنیم. این نبردی است که پیوسته ادامه دارد».

فشار واشنگتن و سیاست «اول آمریکا»

در سطح سیاسی، دولت ترامپ درگیر فشارهای تازه بود. رئیس‌جمهور آمریکا ضرب‌الاجلی دوهفته‌ای برای پیشرفت مذاکرات تعیین کرده و هشدار داده بود در صورت عدم تحقق، ممکن است «تحریم‌های سنگین»، «تعرفه‌های گسترده» یا حتی هیچ اقدامی انجام ندهد و بگوید: «این جنگ شماست». او گفته بود تصمیم نهایی‌اش بستگی دارد به اینکه کدام طرف را مسئول بن‌بست بداند.

هم‌زمان وزارت خارجه آمریکا فروش ۸۲۵ میلیون دلار سلاح به اوکراین را تصویب کرد. این محموله شامل سه‌هزارو ۳۵۰ موشک هدایت‌شونده برد بلند، سه‌هزارو ۳۵۰ واحد جی‌پی‌اس و خدمات آموزشی و پشتیبانی فنی بود. در بیانیه رسمی وزارت خارجه آمده بود: «این فروش پیشنهادی اهداف سیاست خارجی و امنیت ملی ایالات متحده را با بهبود امنیت کشوری شریک که عامل ثبات سیاسی و پیشرفت اقتصادی در اروپاست، تأمین می‌کند».

این تصمیم در حالی گرفته شد که ترامپ فشار بر متحدان ناتو را افزایش داده بود تا هزینه ارسال تسلیحات را متقبل شوند. او بارها گفته بود آمریکا نباید به‌تنهایی بار مالی جنگ را بر دوش بکشد. نتیجه این فشارها، پرداخت بیش از یک میلیارد دلار از سوی هلند، سوئد، نروژ و دانمارک برای خرید تسلیحات آمریکایی در اوایل آگوست بود.

ترامپ با لحنی تند تأکید کرد: «ما تجهیزات بسیار پیشرفته می‌فرستیم، اما آنها باید صد درصد هزینه‌اش را بپردازند. این همان چیزی است که می‌خواهیم. وقتی تجهیزات می‌فرستیم، قرار است بازپرداخت کامل آن انجام شود».

زلنسکی نیز تأیید کرد که چهار کشور اروپایی این طرح را عملی کرده‌اند. او در بیانیه‌ای نوشت: «این نمونه‌ای است از همکاری ما با متحدان ناتو برای ایجاد یک سیستم دفاعی قدرتمند و سریع».

با وجود این، در ابتدای جولای دولت ترامپ اعلام کرده بود ارسال بخشی از تجهیزات، ازجمله موشک‌های پاتریوت، موقتا متوقف می‌شود. ترامپ در همان زمان گفت: «ما سلاح‌ها را می‌دهیم، اما تاکنون بسیار زیاد داده‌ایم. باید مطمئن شویم برای خودمان هم کافی مانده است».

چند روز بعد، وزارت دفاع آمریکا این تصمیم را معکوس کرد و توضیح داد: «این تغییر سیاست برای اطمینان از توانایی اوکراینی‌ها در دفاع از خود است، در حالی که ما در تلاشیم صلحی پایدار برقرار کنیم و به کشتارها پایان دهیم». شان پارنل، سخنگوی پنتاگون، این تصمیم را در راستای اجرای سیاست «اول آمریکا» دانست و گفت: «ما نمی‌توانیم به همه جهان سلاح بدهیم. باید ابتدا مراقب آمریکا و نیروهای خودمان باشیم».

حمله گسترده روسیه، درست در لحظه‌ای که گفت‌وگوهای صلح وارد مرحله‌ای حساس شده، چشم‌انداز هرگونه توافق را تیره‌تر کرده است. در حالی که کرملین از موفقیت عملیات نظامی سخن می‌گوید و هم‌زمان بر تمایل به دیپلماسی تأکید دارد، اوکراین با تلفات غیرنظامیان و حملات متقابل مواجه است. اروپا تحریم‌های تازه‌ای را تدارک دیده و آمریکا فروش تسلیحات بیشتری را تصویب کرده است. مسیر پایان جنگ همچنان مبهم و پرخطر باقی مانده و اوکراین میان آتش جنگ و امیدی شکننده به صلح گرفتار است.

اسرائیل شهر غزه را منطقه جنگی اعلام کرد

سازمان ملل: موج تازه آوارگی در راه است

شرق: اسرائیل روز جمعه شهر غزه، بزرگ‌ترین شهر نوار غزه را «منطقه جنگی خطرناک» معرفی کرد و هم‌زمان از آغاز «مرحله اولیه» یک تهاجم برنامه‌ریزی‌شده خبر داد؛ اقدامی که با محکومیت گسترده بین‌المللی روبه‌رو شد. ارتش اسرائیل اعلام کرد وقفه‌های روزانه در درگیری‌ها -که از ساعت ۱۰ صبح تا هشت شب امکان ورود محدود مواد غذایی و کمک‌های امدادی را فراهم می‌کرد- متوقف شده است. در همین حال، ارتش گزارش داد اجساد دو گروگان را یافته و تأکید کرد عملیات نظامی با شدت بیشتری ادامه خواهد یافت. به گفته آویخای ادرعی، سخنگوی ارتش، «حملات خود را تشدید خواهیم کرد تا همه گروگان‌های ربوده‌شده را بازگردانیم و ساختار حماس را در هم بشکنیم». دفتر نخست‌وزیری بنیامین نتانیاهو نیز اعلام کرد پیکر ایلان وایس، عضو کیبوتص بئری که در حمله هفتم اکتبر ۲۰۲۳ کشته شد، به همراه یک گروگان دیگر به اسرائیل بازگردانده شده است. نتانیاهو در بیانیه‌ای تأکید کرد: «کارزار برای بازگرداندن گروگان‌ها بی‌وقفه ادامه دارد. آرام نخواهیم گرفت تا همه گروگان‌ها، چه زنده و چه کشته‌شده، به خانه بازگردند».

گروگان‌ها و فشار داخلی

۲۲ ماه پس از حمله مرگبار حماس و ربودن ۲۵۱ نفر، هنوز حدود ۵۰ گروگان در غزه باقی مانده‌اند که به گفته مقام‌های اسرائیلی، فقط ۲۰ نفر از آنها زنده‌اند. «فوروم خانواده‌های گروگان‌ها و مفقودان» که تظاهرات گسترده‌ای را برای آزادی آنان سازمان‌دهی کرده، در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ما از دولت اسرائیل می‌خواهیم بی‌درنگ وارد مذاکره شود و تا بازگشت آخرین گروگان بر سر میز بماند. زمان برای گروگان‌ها و برای مردم اسرائیل که این بار سنگین را بر دوش می‌کشند، در حال پایان است». اسرائیل ماه گذشته در پی فشارهای بین‌المللی، وقفه‌های تاکتیکی در شهرهای غزه، دیرالبلح و المواسی برقرار کرده بود، اما اکنون آنها را بدون اطلاع قبلی به ساکنان یا نهادهای امدادی لغو کرده است.

بحران انسانی و هشدارهای جهانی

شهر غزه از مدت‌ها پیش به عنوان پایگاه اصلی حماس معرفی شده؛ منطقه‌ای که شبکه‌ای از تونل‌ها را در خود جای داده و بارها شاهد عملیات‌های وسیع نظامی بوده است. این شهر همچنین محل استقرار بخش قابل توجهی از زیرساخت‌های حیاتی و مراکز درمانی نوار غزه است. سازمان ملل هشدار داد در صورت حمله تمام‌عیار، ظرفیت تخت‌های بیمارستانی ممکن است تا ۵۰ درصد کاهش یابد. یک روز پیش‌تر، نهاد بین‌المللی «طبقه‌بندی یکپارچه امنیت غذایی» (IPC) اعلام کرده بود شهر غزه عملا وارد مرحله قحطی شده است. این گزارش توضیح داد که گرسنگی ناشی از ترکیب محاصره شدید اسرائیل بر ورود کمک‌ها، درگیری‌های نظامی و جابه‌جایی‌های گسترده جمعیت است. به گفته کارشناسان، فروپاشی تولید غذایی و محدودیت‌های مداوم باعث شده میلیون‌ها نفر در شرایطی بحرانی قرار گیرند. شورای پناهندگان نروژ که هماهنگ‌کننده فعالیت گروه‌های امدادی در غزه است، جمعه اعلام کرد عملیات انسانی با محدودیت‌های بی‌سابقه روبه‌رو شده است. شاینا لو، سخنگوی این نهاد به آسوشیتدپرس گفت: «ما با محدودیت‌های بی‌سابقه در دسترسی و جابه‌جایی روبه‌رو بوده‌ایم. عملیات‌های نظامی گسترده‌تر، توانایی ما برای پاسخ‌گویی را بیش از پیش محدود خواهد کرد».

آژانس امدادرسانی و کاریابی برای آوارگان فلسطینی (آنروا) نیز هشدار داد حمله گسترده می‌تواند یک میلیون نفر دیگر را آواره کند؛ بسیاری از آنها کسانی هستند که پیش‌تر نیز از خانه‌هایشان رانده شده‌اند. در بیانیه این نهاد آمده است: «هرگونه تشدید بیشتر، رنج‌ها را عمیق‌تر خواهد کرد و شمار بیشتری از مردم را به سوی فاجعه خواهد کشاند».

گزارش

سقوط «پائتونگتارن»

شرق: دیوان قانون اساسی تایلند روز گذشته حکم به برکناری پائتونگتارن شیناواترا، نخست‌وزیر این کشور داد. این حکم پس از آن صادر شد که قضات او را به «تخلفات جدی اخلاقی» در یک تماس تلفنی تابستانی با هون سن، مرد قدرتمند سیاست کامبوج، متهم کردند.

ماجرا از یک ماه پیش آغاز شد، زمانی که گروهی از سناتورهای تایلندی شکایتی علیه نخست‌وزیر ثبت کردند. آنها مدعی بودند در گفت‌وگوی تلفنی با رهبر پیشین کامبوج، شیناواترا رفتاری غیرمسئولانه نشان داده است. در این مکالمه که درباره تنش‌های مرزی دو کشور انجام شد، نخست‌وزیر تایلند هون سن را «عمو» خطاب کرده و ارتش تایلند را «طرف مقابل» نامیده بود؛ عباراتی که از نگاه منتقدان نشانه‌ای از ضعف و نادیده‌گرفتن منافع ملی بود.

انتشار ضبط این تماس توسط خود هون سن، نه‌تنها موجی از اعتراضات داخلی را به راه انداخت، بلکه درست در همان زمان تنش‌های مرزی به یک درگیری نظامی تمام‌عیار تبدیل شد. این تقارن، فضای سیاسی بانکوک را به‌سرعت بحرانی کرد و نخست‌وزیر تحت فشار قرار گرفت. پائتونگتارن، دختر تاکسین شیناواترا، سیاست‌مدار کهنه‌کار و سرمایه‌دار بزرگ مخابراتی، در دفاعیات خود مقابل دادگاه تأکید کرد که سخنانش در این مکالمه صرفا تاکتیکی برای کاهش تنش بوده است. او گفت: «در تمام گفت‌وگو، تنها هدفم حفاظت از منافع ملی بود، بدون هیچ قصدی برای کسب منفعت شخصی».

برکناری پائتونگتارن تازه‌ترین ضربه به خاندان شیناواترا و جریان سیاسی متصل به آن است. او سومین عضو خانواده است که پیش از پایان دوره نخست‌وزیری از قدرت کنار گذاشته می‌شود. پدرش تاکسین در کودتای ۲۰۰۶ سرنگون شد و عمه‌اش، ینگلاک شیناواترا، با حکم همین دادگاه به اتهام سوءاستفاده از قدرت برکنار شده بود. علاوه بر این، دست‌کم سه نخست‌وزیر دیگر که به احزاب وابسته به تاکسین تعلق داشتند، از سال ۲۰۰۸ به این سو توسط همین دادگاه برکنار شده‌اند.

اکنون پائتونگتارن علاوه بر از دست دادن سمت خود، با تحقیقات تازه‌ای از سوی نهاد ضد فساد کشور نیز روبه‌رو است. این پرونده می‌تواند به صدور حکم زندان طولانی‌مدت برای او منجر شود.

حکم دیوان قانون اساسی بر فضای سیاسی داخلی تایلند تأثیری فوری گذاشت. ائتلاف حاکم که بر پایه اکثریتی شکننده در پارلمان بنا شده بود، حالا در موقعیتی دشوار قرار گرفته است. هنوز مشخص نیست آیا فومتام وچای‌چای، نخست‌وزیر موقت، اختیار قانونی برای برگزاری انتخابات زودهنگام دارد یا نه. چنین انتخاباتی می‌تواند موقعیت حزب «فو تای» وابسته به خانواده شیناواترا را بیش از پیش تضعیف کند.

از نگاه تحلیلگران، این حکم فقط سرنوشت یک خاندان سیاسی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، بلکه نشانه‌ای از ساختار قدرت در تایلند است؛ ساختاری که همواره رؤسای دولت منتخب را یا به دست دادگاه یا زیر فشار ارتش وادار به کناره‌گیری کرده است.

تیتینان پونگسودیرک، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه چولالونگ‌کورن بانکوک، در واکنشی صریح گفت: «چطور است که یک نخست‌وزیر منتخب دموکراتیک، یا معلق می‌شود یا از کار برکنار می‌شود یا با کودتا سرنگون می‌شود؟ این پرسشی است که امروز در برابر تایلند قرار دارد. موضوع فقط خانواده شیناواترا نیست».

این سخنان بازتابی از پرسشی قدیمی است: چرا نهادهایی همچون ارتش، بوروکراسی و دربار سلطنتی همچنان نقشی تعیین‌کننده‌تر از صندوق رأی در سرنوشت سیاسی این کشور دارند؟ حکم تازه دیوان قانون اساسی بار دیگر این واقعیت را آشکار کرده که مسیر دموکراسی در تایلند پر از پیچ‌وخم‌های پرخطر است.